یادداشت روز

عراق و خطرهای ۱۰ ژوئن!

مذاکرات روز چهارشـــنبه آینده -۱۰ ژوئن- بغداد-واشنگتن که با دستور کاری آمریکایی آغاز می‌شود، از مدت‌ها قبل با سؤالات اساسی مواجه گردیده اســـت؛ موضوع اصلی این مذاکرات چیســـت؟ ارتباط این مذاکرات با توافقنامه امنیتی که در ســـال ۲۰۰۸ به امضای جرج بوش و نوری مالکی رســـید، چیســـت؟ ارتباط این مذاکرات با مصوبه بهمن‌ماه مجلس عراق -خروج نظامیان بیگانه از خاک عراق- چیست؟ این مذاکرات چـــه فرصت‌ها و تهدیداتی بـــرای دو طرف و نیز برای کشورهای همســـایه عراق و به خصوص برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ درخصوص این موضوع توجه به نکات زیر اهمیت دارد:

۱- انتخاب روز ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد ماه) از ســـوی هیئت آمریکایی هوشمندانه تلقی شده است. ۲۱ خرداد ماه یا همان ۱۰ ژوئن روز سقوط موصل به دست داعش در ســـال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) می‌باشد و در کام هر شهروند عراقی و نیز در کام هیئت حاکمه عراق تلخ و خوفناک می‌باشد. در واقع رابطه‌ای وجود دارد میان تهدید عملیات تروریستی و توافق سیاســـی. از نظر طرف آمریکایی، هیئت عراق باید بین دادن امتیاز سیاسی به طرف مقابل و تحمل خسارت‌ها و فشارهای ناشی از اقدامات تروریستی دست به انتخاب بزند.

جالب این است که آمریکا و تروریزم تکفیری که در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ به امنیت مردم و زیرساخت‌های عراق آسیب جدی وارد کردند، دو مقوله رویارو نبودند. داعش توسط ارتش آمریکا پدید آمد و اسناد منتشر شده توسط همین دولت ترامپ به آن گواهی می‌دهد. اگر درست به صحنه نگاه شود، در واقع در این صحنه طرف عراقی میان دو گزینه رابطه با «آمریکا و تروریزم» و رابطه با «ایران و امنیت» قرار دارد و اگر عراقی‌ها عادلانه به صحنه نگاه کنند باید میز مذاکره با آمریکا را ترک کنند تا فرصت ارتکاب اقدامات تروریستی از آمریکا گرفته شود. اما آمریکایی‌ها مثل همیشه با داستان‌سرایی‌های دروغین تلاش می‌کنند تا بـــا حذف عنوان ایران از مذاکرات و خارج کردن آن از ادبیات طرف عراقی، او را با یک مسئله وهمی مواجه گردانند و به او بگویند توافق با آمریکا ضامن امنیت عراق و تمامیت ارضی این کشور است.

۲- میز مذاکره روز چهارشنبه، به درخواست و براساس تدبیر طرف آمریکایی چیده شده و اگر اوضاع بر منوال چند روز اخیر جلو برود، طرف عراقی به صورت منفعل در این مذاکرات حضور خواهد داشت و نتیجه آن امضای توافقی خواهد بود که نه تنها مشکلی از مشکلات عراق را حل نخواهد کرد بلکه خود به «ام‌المشکلات» عراق تبدیل خواهد شد. چرا که توافقنامه جدید بر مبنای استمرار حضور نظامی آمریکا در عراق استوار است و این حضور صرفاً برای انکاره کردن روابط خارجی عراق و محروم کردن آن از رابطه امنیتی با مهم‌ترین پشتیبانان منطقه‌ای عراق خواهد بود. این موضوع در جای خود عراقی ضعیف را پدید می‌آورد که می‌تواند به طعمه‌ای برای رژیم‌هایی نظیر اسرائیل، عربستان، امارات و... تبدیل شده و مورد تهدید جدی واقع گردد. چنین توافقی در عین حال حتماً سبب ناخشنودی ایران خواهد گردید و جمهوری اسلامی ایران را وادار می‌کند تا برای تأمین امنیت و منافع ملی خود، دشمن شناخته شده آمریکایی خود در عراق را علی‌الدوام زیر نظر بگیرد که در این صورت نباید با گلایه دوستان عراقی مواجه گردد.

۳- آمریکایی‌ها کـــه به خوبی می‌دانند، عراقی‌ها در حال حاضر و پس از عبور موفق از بحران بزرگ امنیتی سال‌های اخیر، دغدغه عمده امنیتی نداشته و خود را در مواجهه با چنین تهدیدی توانمند ارزیابی می‌کنند -و واقعاً هم این توانمندی نظامی امنیتی در عراق وجود دارد- در مذاکرات روز چهارشنبه علی‌الظاهر یک بسته را روی میز خواهند گذاشت که در بردارنده مجموعه‌ای از پیشنهادات اقتصادی، سیاسی، امنیتی، صنعتی، پولی و... خواهد بود. اما پر واضح است که منظور آمریکا از این مذاکرات، فروش با قیمت گزاف همان چیزی است که از نظر طرف عراقی موضوعیت چندانی نداشته و اولویت او به حساب نمی‌آید.

آمریکا دنبال توافقنامه‌ای اســـت که ظاهری اقتصادی ولی باطنی امنیتی- نظامی دارد و هدف آن امنیت‌بخشی به نیروهای نظامی آمریکا در عراق و تثبیت حضور درازمدت آنان است. آمریکا ممکن است در روز چهارشنبه به طور ضمنی خروج از عراق -و تن دادن به مصوبه بهمن ماه پارلمان عراق- را بپذیرد اما در واقع درصدد به‌دست آوردن زمان برای خارج کردن مصوبه مجلس از دستور کار دولت مصطفی کاظمی است. اگر طرف عراقی به گمان اینکه می‌تواند با پذیرش تأخیر در اجرای مصوبه پارلمان، به حل و یا کاهش مشکلات اقتصادی که اخیراً به دلیل کاهش قیمت و کاهش صادرات نفت از یک‌ســـو و تأثیرات اقتصادی- تجاری کرونا از سوی دیگر با آن مواجه گردیده، دست یابد، دچار خطای فاحش گردیده است. چرا که اولاً آمریکایی‌ها هیچ اراده‌ای برای بهبود شرایط اقتصادی عراق ندارند و آنچه از سوی سرویس‌های اطلاعاتی آن به عنوان چشم‌انداز ۲۰۳۰ عراق ترسیم گردیده بر این موضوع صحه می‌گذارد. ثانیاً آمریکا در وضعیت اقتصادی مناسبی قرار ندارد تا برای حفظ عراق، هزینه‌ای را بپذیرد و ثالثاً صادرات عراق به صدور نفت محدود گردیده است و آمریکا در هیچ کجای دنیا درصدد ساماندهی صادرات و یا قیمت نفت نیست تا در مورد عراق باشد.

۴- از نظـــر آمریکایی‌ها، عراق از روز چهارشـــنبه این هفته وارد فرآیندی جدید می‌شود و از نظر آنان این آغاز چرخش راهبردی عراق از نقش‌آفرینی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و یا به عنوان یک ضلع از یک بلوک منطقه‌ای به قبول ایفای نقش در یک پروتکل آمریکایی- غربی است. آمریکا گمان می‌کند آنچه طرف عراقی را پای میز مذاکره آورده، هراس او از آینده‌ای است که قادر به اداره اقتصادی کشور خود نیست و فرسایش اقتصادی او را به کشور فشل تبدیل می‌کند. به همین جهت، آمریکا طی هفته‌های اخیر در تبلیغات سیاسی، تمرکز زیادی روی مشـــکلات اقتصادی عراق و راه‌های حل آن کرده است. تصویری که محافل آمریکایی دائماً در حال بازتاباندن آن در فضای تصمیم‌گیری عراق هستند، این است که عراق باید از رابطه اقتصادی با ایران بکاهد و به روابط سیاسی-مذهبی بسنده کند. به همین جهت طی یک سال اخیر حکومت عـــراق را با یک جدول زمانی مواجه کرده‌اند که به طور ملایم ولی دائمی از رابطه آن با ایران می‌کاهد.

۵- از منظـــر طرف آمریکایی، عراق مهم‌ترین نقطه‌ای اســـت که شـــیعیان منطقه از عرب و غیرعرب می‌توانند حول آن جمع شده و به یک «مجتمع مؤثر سیاســـی» تبدیل گردنـــد و مانع جدی آمریکا در رســـیدن به اهداف خود شوند. بر این اساس سیطره بر عراق برای آمریکایی‌ها یک هدف اســـتراتژیک است و در این زمینه میان آنان و اروپایی‌ها (و سازمان ناتو)، صهیونیست‌ها، سعودی‌ها و حتی ترکیه و کردها وحدت‌نظر وجود دارد. در واقع آمریکا به گمان خود، تضعیف دولت عراق را به یک هدف راهبردی اجماع‌ساز تبدیل کرده و سعی دارد از این طریق قدرت فروپاشیده خود و رژیم‌هایی مثل اسرائیل را بازسازی کند. مذاکرات دهم ژوئن -یعنی چهارشنبه این هفته- از منظر آمریکایی‌ها یک نردبان بالابرنده است و موقعیت آمریکا، اسرائیل و متحدان عرب آنها را در منطقه بهبود می‌بخشـــد و صدالبته برخلاف تصور آمریکا، دیوار عراق کنونی شفاف است و با نشـــان دادن چهره خیانت‌کاران، مانع تحقق خیانت می‌شود.

۶- یک نکته دیگر که دردمندانه باید گفت این است که یک جریان شناخته شده سیاسی که حل مسئله ایران با غرب را به مهم‌ترین راهبرد خود تبدیل کرده است و فروش عزت، استقلال و منافع کشور به دشمنان شناخته شده ملت ایران را برای خود حل کرده است، در ماه‌ها و هفته‌های اخیر در تماس‌های مکرر با پاره‌ای از رهبران شیعه عراقی، تلاش کرده تا آنان را به سمت مذاکره و دادن امتیاز و در نهایت رها کردن موضوعات استراتژیکی مثل اخراج نظامیان آمریکا از عراق سوق دهد. از منظر این افراد عراق با توجه به جایگاه حساسی که در وضع منطقه‌ای ایران دارد، می‌تواند نقطه آغاز «چرخش اجباری» ایران در سیاست منطقه‌ای باشد. این البته توأم با نوعی خوش‌خیالی است. مذاکره با آمریکا و توافق با آن چیزی نیست که وصفی معماگونه داشته و اهداف و نتایج آن نامشخص باشد. امروز ملت‌های منطقه به خوبی می‌دانند که زمانی که یک طرف مذاکره، آمریکایی باشد، میز مذاکره میدان جنگی است که با هدف به زانو درآوردن طرف مقابل و به یغما بردن سرمایه‌های او چیده شده است.

سعدالله زارعی

تصحیح و پوزش

در ســـتون نکته دیروز با عنوان «عِرض خود می‌بری و کذا و کذا» این بیت از غزل حافظ «ای مگس عرصه ســـیمرغ نه جولانگه توست/ عِرض خود می‌بری و زحمت ما میداری» اشتباهاً به مثنوی ملای رومی نســـبت داده شـــده بود که ضمن پوزش از خوانندگان و تشکر از تذکر آنان، تصحیح می‌گردد.

پالس مذاکره به آمریکای درمانده اشتباه محض است

سرویس سیاسی-

وزیر امور خارجه کشورمان در توئیتی حقارت‌آمیز، به آمریکای مستاصل و درمانده، پالس مذاکره داد!

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا روز جمعه در توئیتی نوشـــت: «خیلی خوب است که مایکل وایت به خانه‌اش بازگشته اســـت. وی تازه رسیده است. بســـیار هیجـــان‌زده هســـتم. از ایران متشکرم. تا پس از انتخابات آمریکا برای انعقاد توافقی بزرگ صبر نکنید. شما الان می‌توانید به توافقی بهتر دست یابید».

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در حســـاب کاربری خود در توئیتر در پاسخ به توئیت ترامپ نوشت: ما برخلاف اقدامات زیردســـتان شـــما، به تبادل انسان‌دوســـتانه دست یافتیم. ما زمانی که شـــما وارد دفتر [ریاست‌جمهوری] شدید، توافقی داشـــتیم. ایران و دیگر اعضای برجام هرگز میز را ترک نکردند.

ظریف در ادامه نوشت: مشاوران شما - که اکثراً تا الان اخراج شده‌اند - قمار احمقانه‌ای انجام دادند. اینکه چه زمانی بخواهید آن‌اشـــتباه را اصلاح کنید، به شما بستگی دارد.

ارسال پیام ضعف به آمریکای مستأصل!

متاســـفانه وزارت امـــور خارجه و شخص وزیر در سال‌های اخیر همواره از موضع ضعف و حقـــارت با آمریکا و ترونیکای اروپایی مواجه شده است.

وزیـــر امور خارجـــه در این توئیت عهدشکنی‌های دولت ترامپ در موضوع برجـــام را به مشـــاوران رئیس‌جمهور منتسب کرده و به نوعی ترامپ را بزک و تطهیر کرده است. این در حالی است که در پسابرجام روسای جمهور آمریکا(هم اوبامـــا و هم ترامپ) نقـــش ویژه‌ای در عهدشکنی واشنگتن ایفا کردند.

پیش از این نیز ظریف در تحلیلی غلط، با کلیدواژه «تیم بی»، نظام سلطه به ســـرکردگی آمریـــکا را به چند نفر محدود تقلیل داده بود.

در ماه‌های گذشـــته، نوع مواجهه آمریکا با شـــیوع ویروس کرونا رسوایی بزرگی برای ســـاختار حاکمیتی ایالات متحده بـــه بار آورد. پـــس از آن، قتل بی‌رحمانه یک شـــهروند سیاهپوست آمریکایی توسط پلیس نژادپرست این کشور، ایالات متحده را دچار التهاب و آشـــوب کرد و همچنان تعداد زیادی از شهرها و ایالت‌های آمریکا صحنه آشوب و التهاب است.

ساختار حاکمیتی آمریکا اکنون در حالت اســـتیصال و درماندگی است. در ســـوی مقابل ایران با کارنامه درخشان در مواجهـــه با کرونا و در ادامه با پرتاب موفقیـــت آمیز اولین ماهواره نظامی به فضا و همچنین ارسال پنج نفتکش ایرانی حامل بنزین به ونزوئلا، اکنون بیش از پیش در موضع اقتدار و پیشرفت است.

اما با این‌حال، آقای ظریف در پیامی تحقیرآمیز خطاب به ترامپ، از موضع ضعف پالس مذاکره می‌دهد!

تشویق ترامپ به گستاخی!

ترامپ با حقه بازی، تبادل زندانیان را به عنوان مقدمه‌ای خوب برای مذاکره و معامله جا زده است.

دولت مستکبر،غارتگر و تروریست آمریکا تاکنون بارها ایرانیان را به صورت غیرقانونی و به دلایل واهی بازداشـــت و زندانـــی کـــرده اســـت. قطعا چنین رویکردی محکوم است و هر اقدامی در جهت آزادی ایرانیان بازداشت شده در آمریکا، قابل تقدیر و حمایت و پیگیری است.

آمریکا موظف اســـت که ایرانیانی که به صورت غیرقانونی در این کشـــور بازداشت شده‌اند را آزاد کرده و دستگاه دیپلماسی کشورمان نیز باید با تمام قوا در این مسیر قدم بردارد. اما دولتمردان و مدیران ارشـــد وزارت خارجه باید به این مسئله دقت کنند که موضوع آزادی زندانیان ایرانی در آمریکا، «تک مسئله» است و هدف و نقطه پایان آن مشخص اســـت و آن چیزی نیســـت جز آزادی ایرانیان محبـــوس در آمریکا. برهمین اســـاس نباید به این «تک مسئله» به عنوان «نقطه آغازی برای مذاکره مجدد با آمریکا» نگاه کرد.

متاســـفانه توئیـــت حقارت‌آمیز ظریف، نتیجه‌ای جز تشویق ترامپ به گستاخی در پی نخواهد داشت.

گفتنی اســـت در زمســـتان سال گذشته در حالی که هنوز خون سردار ســـلیمانی بر دســـتان آمریکایی‌های تروریســـت خشک نشـــده بود، ظریف در مصاحبه با اشپیگل در اظهارنظری تأمل برانگیز از امکان مذاکره با آمریکا سخن گفت!

همچنین در روزهای اخیر سخنگوی وزارت خارجـــه ایران خبر ملاقات بیل ریچاردســـون، فرماندار سابق آمریکا با وزیر خارجه ایران برای آزادی دو زندانی دو کشـــور را تایید کـــرد. این در حالی است که در دیپلماسی جهانی، فرماندار سابق هرگز همطراز وزیر خارجه قلمداد نمی‌شود.

مذاکره نمی‌کنیم

علی شـــمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اســـلامی ایران روز جمعه در پیامی توئیتری ضمن رد اظهارات نمایشی رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد که در آینده هیچ مذاکره‌ای بین تهران و واشـــنگتن انجام نخواهد شد.

شمخانی در این خصوص در توئیتر نوشت: «اوضاع ترامپ چه در تقابل‌های بین‌المللـــی، چـــه در افتضاح مدیریت کرونا و چه در آتش‌افروزی نژادپرستانه در داخل آمریکا به قدری خراب اســـت که تیمش چاره‌ای جز تولید و نمایش موفقیت‌های ساختگی برای او ندارند. تبادل زندانیان، نتیجـــه مذاکره نبوده و هیچ مذاکره‌ای هـــم در آینده انجام نخواهد شد».

اشتباه محض

حســـین کنعانی مقدم کارشناس مســـائل بین‌الملل بااشـــاره به پاســـخ توئیتـــری ظریف به دونالـــد ترامپ در زمینه بازگشت به برجام، اظهار داشت: به نظر می‌رسد که ترامپ ارزش پاسخ دادن به توئیت‌هایش و حتی پیام‌های رســـمی خود را نیـــز از دســـت داده است.

کنعانی مقدم ادامه داد: ترامپی که در کشور خود دچار بحران مشروعیت شده، منادی نژادپرستی بوده و دستش به خون مردم آغشته است و همچنین در خود ایالات متحده آمریکا جایگاهی ندارد، پاسخ دادن به پیام‌های وی اشتباه محض است و وزیر امور خارجه کشورمان نباید وارد این دام ترامپ شود.

وی افزود: ترامپ به دنبال این است که ارتباطات خود را در ایران همچنان حفظ کند؛ ولی باید بگویم که پاسخ ما قاطع بوده است. ما پاسخ خود به آمریکا را در عین الاسد، شکستن تحریم‌های نفتی و در صحنه‌های نبرد داده‌ایم.

کارشـــناس مســـائل بین‌الملل در ادامه گفت: به نظر می‌رسد که اینگونه پروپاگاندای ترامپ در آستانه انتخابات نوامبـــر ۲۰۲۰، حاکی از آن اســـت که رئیس‌جمهور آمریکا بـــه دنبال امتیاز گرفتن است و نه امتیاز دادن و ما نباید فریب اقدامات کسی را بخوریم که حتی جایگاهی در کشور خود نداشته و اصلاً مشخص نیست که وی بتواند انتخابات آینده را پیروز شود.

به گـــزارش مهـــر، کنعانی مقدم خاطرنشان کرد: در موضوع برجام ما به طور کامل از آمریکا ناامید هستیم. آمریکا در چارچوب برجام نه به تعهدات خود عمل کرد و نه در حال حاضر حضوری در این توافق دارد. از سوی دیگر، پیش از این، دریچه‌هایی برای مذاکره با آمریکا وجود داشت؛ ولی با ترور شهید سپهبد قاسم سلیمانی توسط واشنگتن، هیچ روزنه‌ای دیگر وجود ندارد.

وی یـــادآور شـــد: افـــرادی که در سراب مذاکره با آمریکا به سر می‌برند، به نظر می‌رسد کسانی هستند که درک صحیحـــی از تحولات ایـــران و جهان ندارند.

گفت و شنود

ورشکسته!

گفت: وزارت ورزش مبلغ ۲ میلیون یورو به مربی بلژیکی فوتبال دستمزد داده است! آنهم برای حضور در ۳ بازی، که دوتای آن هم باخت بوده است!

گفتم: مگر کوه ابو قبیس را جابه‌جا کرده و یا بیستون را تراشیده است؟!

گفـــت: ای عـــوام! تازه یارو شـــکایت کـــرده و ۷ میلیون یورو، یعنی ۱۲۴ میلیارد تومان می‌خواهد!

گفتم: حالا این مبلغ کلان را در این وانفسای ارزی کشور از کجا آورده و پرداخت کرده‌اند؟

گفت: از حســـاب شرکت سرمایه‌گذاری شســـتا که متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است پرداخت شده!

گفتم: یعنی ایـــن مبلغ کلان را از دهان کارگران مظلوم بیرون کشیده و به مربی بلژیکی داده‌اند؟!

گفـــت: مگه همین‌ها نیســـتند که از کمبـــود بودجه می‌نالند و دادشان به آسمان بلند است؟!

گفتم: از یارو پرســـیدند کســـی که ورشکسته میشه یعنی چی میشـــه؟ گفت؛ بعضی‌ها واقعاً آس و پاس میشن، بعضی‌ها هم پول‌هاشـــونو توی جیب پیرهنشون میذارن و کت و شلوارشونو به طلبکارها نشون میدن!

مدیر کل ضدجاسوسی وزارت اطلاعات:

مایکل وایت به‌دلیل تشدید بیماری و دلایل انسانی از کشور اخراج شد

مدیر کل ضدجاسوســـی وزارت اطلاعات گفت: مایکل وایـــت، نظامی آمریکایی پس از گذشـــت حدود دو سال از محکومیت؛ به‌دلیل تشـــدید بیماری و دلایل انسانی و طی فرآیند قضایی از کشور اخراج گردید.

مدیرکل ضد جاسوسی وزارت اطلاعات در مورد جزئیات پرونده آمریکایی آزاد شده اظهار داشت: مایـــکل وایـــت یکـــی از نظامیان آمریکایـــی بود که دو ســـال قبل با پوشـــش توریســـت وارد کشور گردید. مشـــارالیه قصد داشـــت بـــرای تأمین فرصت جاسوســـی؛ با روش‌هـــای فریبنده و ارتباط با اتباع ایرانی، پوشـــش حضور خود در کشور را بدست آورد که توسط ضدجاسوســـی وزارت اطلاعـــات شناسایی و دســـتگیر گردید؛ این درحالـــی اســـت که هـــم زمان با شکایت شاکی خصوصی نیز مواجه شـــد. نهایتاً پس از گذشت حدود دو ســـال از محکومیت؛ مشارالیه به‌دلیل تشـــدید بیماری و دلایل انســـانی و طی فرآینـــد قضایی از کشور اخراج گردید.

وی درخصوص پیام‌های پی در پی و سخنان تشکر آمیز ترامپ از ایران بابـــت آزادی وایت، تصریح کـــرد: ترامـــپ به شـــدت محتاج جلب حمایـــت افکار عمومی پس از استیصال و درماندگی در قضیه مدیریت بیماری کرونا و همچنین مدیریت اعتراضات علیه تبعیض و نژادپرســـتی است لذا در اقداماتی غیرحرفه‌ای سعی دارد اختلافات مبنایی جمهوری اسلامی ایران با رژیم آمریکا را به مســـائل سطحی تنازل داده و از هر موضوع بی‌ربط و کوچکی به عنوان بستر مذاکره با ایران بهره‌برداری حداکثری نماید. ترامپ که دچار سندروم بازاریابی و نمایش خیابانی برای جلب مشتری است، در موضوع مذاکره با ایران نیز مصداق بارز «الغریق یتشبث بکل حشیش» می‌باشـــد که البته این نوع رفتارها از رئیس‌جمهوری که از حوزه کسب‌وکار و شرکت‌داری به کاخ سفید قدم گذاشته، دور از انتظار نیست.

مدیرکل ضدجاسوسی وزارت اطلاعات در ادامه گفت: اطلاعات معاونـــت ضدجاسوســـی وزارت اطلاعات نشان می‌دهد که برخی سیاســـیون در آمریـــکا من جمله برایـــان هوک در نظر داشـــتند از فوت مایکل وایت به‌دلیل بیماری مزمن حداکثر بهره‌برداری سیاسی را علیه جمهوری اسلامی ایران و در قالب یک بمب خبری به عمل آورند که با آزادی وی؛ این فرصت رفتار غیرانســـانی نیز از آنان سلب گردید.

مدیـــرکل ضـــد جاسوســـی وزارت اطلاعـــات تاکید می‌نماید همچون گذشـــته بـــا تیزبینی و اشراف حداکثری اطلاعاتی، هرگونه تحرکات ضدامنیتی سرویس‌های اطلاعاتی متخاصم و به‌ویژه آمریکا در ایران و تحت هر پوششـــی را با قوت در نطفه خفه خواهد نمود و با حرفه‌ای‌ترین روش با آن مقابله می‌نماید.

خبر ویژه

ابهامات ملاقات با فرماندار سابق و درس‌های بی‌اعتنایی به بازی مذاکره

سخنگوی وزارت امور خارجه ، خبر ملاقات بیل ریچاردسون، فرماندار سابق آمریکا با وزیر خارجه ایران برای آزادی دو زندانی دو کشور (مایکل وایت و دکتر مجید طاهری) را تایید کرد.

ســـید عباس موســـوی اعلام کرد «بیل ریچاردسون» چند ماه پیش درباره آزادی «مایکل وایت» تبعه آمریکایی زندانی در ایران با محمدجواد ظریف دیدار و گفت‌وگو کرده است.

سخنگوی وزارت خارجه توضیح نداده که چرا شان وزارت خارجه در این قبیل تعامل و تبادل‌ها رعایت نشده؟ در دنیای دیپلماسی هرگز فرماندار سابق، هم طراز وزیر امور خارجه قلمداد نمی‌شـــود و اگر بنا بوده فرماندار سابق آمریکایی طرف مبادله باشد، منطقا باید یک مقام رده پنجم یا سابق وزارت خارجه - در صورت ضرورت- به چنان ملاقاتی فرســـتاده می‌شد. جالب این که در عرف دیپلماتیک «فرماندار ســـابق»، از کمترین صلاحیت حقوقی و سیاسی نیز برخوردار نیست.

«بیـــل ریچاردســـون» کـــه در ســـال‌های ۲۰۰۳ تـــا ۲۰۱۱ فرمانـــدار ایالت «نیـــو مکزیکـــو» بـــوده، از محمدجـــواد ظریـــف و مجیـــد تخـــت روانچـــی نماینـــده ایـــران در ســـازمان ملـــل به عنـــوان دو نفـــر از مقام‌های ارشـــدی نـــام بـــرده که بـــا آنهـــا در خصـــوص آزادی «وایـــت» مذاکره کرده اســـت. نکته قابل تامل دیگر، عدم انتشار خبر چنین ملاقات‌ها و قول و قرارهایی از سوی طرف ایرانی است. و صرفا هنگامی که خبر از سوی طرف غربی منتشر شد، خبر توسط طرف ایرانی تایید می‌شود! چرا؟! از سوی دیگر در دیدار ظریف با ریچاردسون، طرف ســـومی هم حضور داشـــته و آن، میکی برگمن افســـر سابق ارتش رژیم صهیونیستی است! این ملاقات غیرشفاف، چند هفته قبل از ترور سردار سلیمانی و در قطر انجام شده است. ریچاردسون از حامیان گروهک تروریستی منافقین است. نکته مهم دیگری که باید توجه داشت، درباره دو نوع متفاوت واکنش آمریکا در قبال درخواست مذاکره یا بی‌اعتنایی ایران است. اوایل بهمن ۹۸ در حالی که بیش از سه هفته از جنایت ترور سردار سلیمانی نمی‌گذشت، آقای ظریف در اظهاراتی نا به جا و درباره احتمال مذاکره با آمریکا در پی ترور سردار سلیمانی، به مجله اشپیگل گفت: «خیر، من هرگز این احتمال را رد نمی‌کنم که افراد، رویکردهای خود را تغییر دهند و حقایق را درک کنند. برای ما مهم نیســـت که چه کســـی در کاخ سفید نشسته باشد.

آنچه مهم است، نوع رفتار آنها است. دولت ترامپ می‌تواند، گذشته خود را اصـــلاح کنـــد، تحریم‌ها را لغو کند و به میز مذاکره بازگردد. ما همچنان در میز مذاکره هســـتیم». این اظهارات که در دنیا به عنوان بها ندادن به جنایت بزرگ آمریکا تعبیر شـــد، با دهن‌کجی ترامپ مواجه گردید. ترامپ آن روز در پاســـخ پیشنهاد ظریف، از موضعی تحقیرآمیز در توییتر به فارسی نوشت «نه مرسی!». امـــا در ماجرای اخیر صـــرف نظر از رفتار غلط عدم رعایت شـــأن وزیر خارجه کشورمان در ملاقات با فرماندار سابق آمریکایی - و بدتر از آن، ملاقات با افسر ســـابق صهیونیست- ترامپ مجبور شـــده به خاطر بی‌اعتنایی ایران به نمایش مضحک و بی‌ســـرانجام مذاکره، دو بار از ایران تشـــکر کنـــد که تبعه آمریکایی را آزاد کند.

ترامپ پس از تبادل دو زندانی و آزادی زندانی آمریکایی، ابتدا در توییتی نوشت: «از زمانی که من سر کار آمده‌ام، ما بیش از ۴۰ گروگان و زندانی آمریکایی را به خانه آورده‌ایم. از ایران ممنونم؛ این نشان داد که توافق ممکن است!» ترامپ چند ساعت بعد در توییتی دیگر نوشت: «خیلی خوب و هیجان‌انگیز است که ما مایکل را در خانه‌مان داریم. از ایران تشکر می‌کنم. برای توافق جدید تا انتخابات آمریکا صبر نکنید! من برنده خواهم شـــد. اکنون می‌توانید توافق بهتری داشته باشید! یادآور می‌شود اتباع ایرانی بازداشتی طی سال‌های اخیر، برخلاف اتباع مجرم آمریکایی که در ایران محکوم شده‌اند، کمترین تخلف و محکومیتی در دادگاه‌های آمریکا نداشته‌اند. این نکته هم گفتنی اســـت که دولت آمریکا اکنون در اثر بدعهدی‌های پاپی با دولت‌هـــای مختلف، به عنوان دولتی غیرقابـــل اعتماد برای توافق و قول و قرار شناخته می شود.

این نکته نیز شـــایان ذکر اســـت که همزمان با دعوت ترامپ به مذاکره و توافق، برایان هوک نماینده ویژه آمریکا در امور ایران خواستار حمایت کشورها از تنظیم قطعنامه جدید برای تمدید تحریم‌های تســـلیحاتی ایران در شـــورای امنیت سازمان ملل شد.

او گفته اگر تحریم‌های تسلیحاتی ایران تمدید نشود، با استفاده از «مکانیسم ماشه» برجام، تحریم‌های سازمان ملل را بر می‌گردانیم.

مشاور خاتمی: دوره ظریف جهانگیری و عارف گذشته است

عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان می‌گوید: دوره ظریف و جهانگیری و عارف و لاریجانی برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری تمام شده است.

بـــه گزارش نامه‌نیوز اصلاح‌طلبان بعد از شکســـت در انتخابات مجلس، دو ســـناریو را دنبال می‌کنند؛ گروهی معتقدند که باید برگشت و به احیای پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات پرداخت و مشـــارکت در آوردگاه‌های سیاســـی را در اولویت دوم قرار داد اما گروه دوم اصرار به کنشـــگری فعال دارد و از هم اکنون گزینه‌های مستعد را برانداز و سبک سنگین می‌کند.

البته در میان همین گروه نیز اختلاف‌نظر وجود دارد عده‌ای می‌گویند باید نامـــزد اختصاصی به میدان آورد و گروه دیگر بـــه گرفتن یار قرضی از اردوگاه رقیب بی‌میل نیستند.

عبدالله ناصری درباره سناریوی اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ گفت: اینکه تصمیم سازمانی جریان سیاسی اصلاحات چیست، خبر ندارم و نمی‌دانم چه سناریوها و برنامه‌هایی را برای رقابت سیاسی آینده دنبال می‌کنند چراکه عملاً با تعلیق شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان روبه‌رو هستیم.

مشـــاور خاتمی افزود: از نظر شخصی معتقدم اصلاح‌طلبان فارغ از آنکه چه سناریویی را برای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برمی‌گزینند، باید نخست بتوانند مردم را برای شرکت در انتخابات سال ۱۴۰۰ متقاعد کنند چون اگـــر همیـــن روند فعلی تا آن زمان باقی بمانـــد و اتفاق خاصی رخ ندهد، هرگز نمی‌توان پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان را متقاعد به مشارکت کرد.

وی که در گذشته دولت روحانی را رحم اجاره‌ای اصلاح‌طلبان توصیف کرده بود، درباره تکرار ســـناریوی سال ۹۲ و انتخاب یار قرضی تأکید کرد: اگر فضای اجتماعی مناسب باشد، معتقدم اصلاح‌طلبان باید با نامزد اصلی خود بیایند.

وی درباره احتمال حمایت اصلاح‌طلبان از ظریف، جهانگیری، عارف و محسن هاشـــمی یا حمایت از لاریجانی و ناطق نوری ادامه داد: باز هم یادآور می‌شـــوم تا نتوان جامعه را برای ضرورت رای‌دهی و مشـــارکت در انتخابات قانع کرد، به نظرم هیچ فرقی بین حمایت از میان ظریف، جهانگیری، عارف، محسن هاشمی، لاریجانی و ناطق نوری وجود ندارد.

ناصری گفت: من موکدا معتقدم دوره همه این آقایان گذشـــته اســـت. هر دو جریان بعد از بررســـی زمینه رای باید با چهـــره نو و اصلی به میدان بیایند. مثلا اصلاح‌طلبان اگر قرار باشـــد بیایند، باید با چهره‌هایی مثل آقایان معین و صفایی فراهانی که کاملاً بر ســـر پیمان خـــود می‌مانند باید در میدان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ حضور پیدا کنند.

اشاره ناصری به مصطفی معین در حالی است که معین در سال ۸۴ به‌عنوان نامزد حزب مشارکت وارد عرصه انتخابات شد اما جایگاه پنجم را کسب کرد!

کارنامه بدهید، نه شعار فراکسیون امید به بایگانی تاریخ رفته

نامه رئیس فراکســـیون امید به مردم درباره گزارش عملکرد این طیف در مجلس دهم، به جای پاســـخگویی، از موضع کسی است که در خارج از کشور بوده است.

وبســـایت الف در یادداشتی نوشـــت: آنچه بیش از همه چیز در نامه جناب عارف، مخاطب را آزار می‌دهد رویکرد کلی ایشـــان است. لحن نامه و محتوای این نامه متناســـب با فردی است که سال‌هاست بیرون از گود قدرت نشسته و نظاره‌گر امور است؛ نه فردی که چهار سال ردای نمایندگی مردم با رایی بالا بر تن او بوده و رئیس یکی از سه فراکسیون اصلی مجلس بوده است.

رویکرد عارف در این نامه می‌بایســـت در مقام پاســـخگویی و معطوف به کارنامه چهارســـاله ایشان می‌بود. مثلا ایشان در بخشی از این نامه به ضرورت شایسته‌سالاری در به‌کارگیری متخصصین به‌خصوص در انتخاب مدیران ارشد و وزرا تاکید کرده‌اند. خوب بود ایشان پاسخ می‌دادند آیا خودشان این دستورالعمل را در هنگام رای اعتماد به وزرا در سال ۹۶ و بعد از آن رعایت کرده‌اند؟

ایشان و فراکسیون متبوعشان حداقل می‌توانستند مانع ورود افراد بی‌کفایت به دولت شوند. آیا ایشان این کار را انجام دادند؟ این پرسش کلی از نقش ایشان تقریبا به تمامی بندهای این نامه قابل تسریاست.

البته رویکرد عارف در این نامه که به جای پاسخگویی، از بایدها و نبایدها سخن بگوید رویکردی عمومی در برخی مدیران ماست. در این سال‌ها به‌خصوص در یکی دو ســـال اخیر به‌کرات شـــاهد فهرست‌کردن بایدها و نبایدها از جانب رئیس‌جمهور و معاون اول ایشـــان بوده‌ایم. مشخص نیست تا چه زمانی روحیه طلبکاری مسئولین کشور ما جایش را به روحیه پاسخگویی خواهد داد.

مضاف بر اینکه روحیه پاســـخگویی در این نامه رعایت نشده، راه‌حل‌هایی که عارف ارائه داده، چیزی جز کلی‌گویی بی‌حاصل نیست.

مشـــکل بزرگتری که در یکســـال اخیر نه‌فقط گریبان عارف بلکه گریبان اصلاح‌طلبان را گرفته اســـت مشکل کارنامه و دستاورد است. مردم و هواداران اصلاح‌طلبان پس از تجربه این ۷ سال گذشته به‌شدت از عملکرد اصلاح‌طلبان ناراضی هستند و این نارضایتی منجر به سرخوردگی و یأس شده است.

چه اصلاح‌طلبان بخواهند و چه نخواهند کارنامه دولت روحانی به حســـاب ایشان نوشته شده است؟

از آنجایی‌که عملکرد دولت به‌خصوص در زمینه اقتصاد بسیار ضعیف بوده، مردم از اصلاح‌طلبان ناراضی هستند.

عملکرد فراکســـیون امید مجلس دهـــم نیز چنگی به دل مردم و هواداران